



Volume 2, Issue 5, 2023

The Balance of Individual and Collective Interests in Economic Criminalization in Line with the Recommendation of the Council of Europe

Rahim Yari¹, Nourooz Kargari ^{*2}, Bagher Shamloo ³, Ghasem Ghasemi ⁴

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 45-59

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-6037-5937

TELL: +989125586115

Email: n.kargari@srbiau.ac.ir

Article history:

Received: 12 Dec 2022

Revised: 11 Jan 2023

Accepted: 18 Jan 2023

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

*Individual Economic Interests,
Collective Economic Interests,
Economic Criminalization.*

ABSTRACT

Economics is the most important area of law because the nature of the legal system is influenced by the intellectual system governing the economic system. Regulating the economic system and creating a network of relationships defined in it can reduce the costs of the legal system and increase its efficiency, and also disruption of it cause functional imbalance of the economic relations network of individuals and consequently disruption of the legal system. This issue challenges criminal law and causes unwarranted expansion of criminal instruments in the economic sphere. In this paper, a new approach of interdisciplinary economic and criminal law studies will be presented using descriptive-analytical research method. The findings indicate that; At least in the field of economic crimes, the bases, norms and criteria of criminalization rarely exist, and since its rules are to guarantee the basis and current requirements of the economic system, criminal law should always be dynamic and evolve along with the realities and developments of the economic system including Recommendation No. 12 of the European Council in June 1981, which is a strategic document in modern economic criminalization, along with the conventional principles of criminalization.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Yari, R; Kargari, N; Shamloo, B & Ghasemi, Gh (2023). "The Balance of Individual and Collective Interests in Economic Criminalization in Line with the Recommendation of the Council of Europe". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 45-59.



دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

توازن منافع فردی و جمعی در جرم‌انگاری اقتصادی همسو با توصیه‌نامه شورای اروپا

رحیم یاری^۱، نوروز کارگری^{۲*}، باقر شاملو^۳، قاسم قاسمی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اقتصاد مهم‌ترین حوزه مورد توجه حقوق است زیرا ماهیت نظام حقوقی متأثر از نظام فکری حاکم بر نظام اقتصادی می‌باشد. انتظام نظام اقتصادی و ایجاد شبکه روابط تعریف شده در آن می‌تواند هزینه‌های نظام حقوقی را کاهش و کارایی آن را افزایش دهد و اختلال در آن موجب عدم توازن عملکردی شبکه روابط اقتصادی افراد و در نتیجه اختلال نظام حقوقی شود. این موضوع، حقوق کیفری را به چالش می‌کشد و موجب گسترش بی‌دلیل ابزار کیفری در حوزه اقتصادی می‌گردد. در این نوشتار با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به‌صورت کتابخانه‌ای، تلاش بر طرح و تحلیل نگاه نوین مطالعاتی بین رشته‌ای اقتصادی و حقوق کیفری بر خلاف مطالعات مرسوم صرفاً کیفری نسبت به جرم‌انگاری اقتصادی می‌باشد. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که حداقل در حوزه جرایم اقتصادی مبانی و معیارهای جرم‌انگاری به‌ندرت در گذشته وجود دارد و از آنجا که قواعد آن برای تضمین اساس، هنجارها و الزامات جاری نظام اقتصادی است، همواره باید حقوق کیفری پویا بوده و همگام با واقعیت‌ها و تحولات نظام اقتصادی متحول گردیده و با استخراج الزامات، هنجارهای نوین اقتصادی همسو با اسناد بین‌المللی از جمله توصیه‌نامه شماره ۱۲ شورای اروپا در ژوئن ۱۹۸۱ که سندی راهبردی در جرم‌انگاری‌های نوین اقتصادی می‌باشد، در کنار اصول مرسوم جرم‌انگاری از اصول نوین جرم‌انگاری قابل انطباق با نظام نوین اقتصادی برای صیانت از امنیت و نظم اقتصادی در قالب جرم‌انگاری اقتصادی به شکلی مطلوب بهره‌مند گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۵۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۵۹۳۷-۶۰۳۷-۱-۶۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۵۸۸۶۱۱۵

ایمیل: n.kargari@srbiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

منافع فردی اقتصادی، منافع جمعی اقتصادی، جرم‌انگاری اقتصادی.



مقدمه

نظام اقتصادی مجموعه قواعد بازی حاکم بر تعاملات جامعه در حوزه اقتصاد است. تحولات ساختاری دولت‌ها در بستر زمان براساس اسناد و شواهد تاریخی مؤید این است که با دوران گذار علوم اجتماعی از دوران اثبات‌گرایی تا نهادگرایی اقتصادی، بایستی دولت به‌عنوان نماینده منافع جمع و بخش خصوصی به‌عنوان نماینده فرد نیز در تنظیم اقتصاد حضور داشته باشند (دادگر، ۱۳۸۳: ۴۲۴). ایجاد چنین تحولی نیازمند گذار اقتصادی است که با خصوصیات عدم توازن و شرایط آشفته اقتصادی با فرایندهایی مانند مقررات‌زدایی اقتصادی در جهت تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، خصوصی‌سازی یا ملی‌سازی، تحولات قوانین اقتصادی و... همراه است. چنین فضای گذار آنومیک^۱ دورکیمی مستعد فعالیت‌ها و جرایم اقتصادی می‌باشد (Budima, 2006: 411)؛ فضایی که کشورهای اقتصاد روبه‌رشد از جمله اروپا و آمریکا را با بحران جرایم اقتصادی روبه‌رو ساخت به‌طوری‌که در اروپا، توصیه‌نامه شماره ۱۲-۸۱ کمیته وزرای شورای اروپا با درک واقعیت توسعه روابط اقتصادی ملی و بین‌المللی، همگام با آموزه‌های نوین اقتصادی بر اتخاذ رویکرد یکپارچه اصلاحات ساختاری و نهادی اقتصادی در کنار اصلاحات حقوق کیفری اقتصادی توصیه نموده است. بسیاری از کشورهای اروپایی همگام با توصیه‌نامه شورای اروپا توانستند مرحله گذار را طی نموده و در مرحله تثبیت قرار بگیرند و با جرم‌انگاری اقتصادی، منافع فردی و جمعی را صیانت نمایند. اما اهمیت موضوع در برخی کشورهای در حال گذار مانند ایران می‌باشد که با شکست در فرایند گذار در توازن منافع فردی و جمعی تاکنون شرایط مبهم و سرگردانی را سپری می‌کنند. بر همین مبنا، حقوق کیفری نیز رسالت صیانت از نظام اقتصادی را نمی‌تواند به‌صورت مطلوب عملی کند. بدون شناسایی نظام اقتصادی به‌عنوان بستر وقوع جرایم اقتصادی، بدون شناسایی هنجارها و الزامات نوین اقتصادی، بدون درک و شناسایی نوع نظام اقتصادی از نظر حاکمیت و اولویت منافع فردی یا

جمعی، صرفاً با بهره‌گیری از اصول سنتی جرم‌انگاری و به‌صورت برون‌زای، اقدام به جرم‌انگاری اقتصادی می‌گردد.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای، موضوعی بین رشته‌ای اقتصاد و حقوق کیفری و فاقد پیشینه مطالعاتی در این حوزه بوده و بر این پرسش متکی می‌باشد که نظام اقتصادی و نظام حقوقی که به‌نوعی مشروعیت بخش نظام سیاسی حاکم نیز می‌باشند، مهم‌ترین پدیده‌های پویایی اجتماعی مستقل از هم از نظر فکری، اما وابسته به هم از نظر راهبردی برای توسعه و پیشرفت کشور هستند که با تهدید متغیرهای مشترکی از جمله جرایم اقتصادی روبه‌رو هستند، که نیازمند تدوین قوانین تنظیمی اقتصادی و تضمینی کیفری می‌باشند، اما چرا با درک این تهدید، جرم‌انگاری‌های اقتصادی در نظام حقوق کیفری به‌عنوان مثال در کشور ایران با کارنامه مطلوبی همراه نمی‌باشد؟ پویایی نظام اقتصادی موید آن است که الزامات و هنجارهای اقتصادی همواره در حال تحول می‌باشد. لذا دخالت حقوق کیفری در حوزه اقتصاد بدون شناسایی الزامات و هنجارهای نوین اقتصادی و صرفاً با به‌کارگیری اصول مرسوم خاص حقوق کیفری، دخالتی بی‌حاصل خواهد بود. از این‌رو تحول همزمان و هم‌نوعی حقوق کیفری با تحولات نظام اقتصادی و شناسایی ارزش‌ها و الزامات به‌عنوان یک اصل مبنایی و مدرن برای جرم‌انگاری نوین در حوزه اقتصادی فرض می‌شود. در این پژوهش، سند بین‌المللی توصیه‌نامه شماره ۱۲ شورای اروپا از نظر جرایم اقتصادی احصاء شده و نیز معیارهای مبنایی توصیه شده در آن به‌عنوان اصول نوین جرم‌انگاری اقتصادی قابل استخراج، چهارچوب نظری این نوشتار را شکل می‌دهد.

۱- نظام اقتصادی تابعی از منافع فردی یا جمعی اقتصادی

شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی نتیجه جدال فرد (منافع فردی) با دولت (منافع جمعی) می‌باشد (تفضلی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). نظام‌های اقتصادی در سیر تاریخی خود به‌تدریج در پرتو اندیشه‌های اقتصادی شکل گرفته‌اند. هر اندیشه اقتصادی تحت تأثیر شرایط محیط اجتماعی و سیاسی زمان خود قرار گرفته و موجبات پیدایش اندیشه‌های مخالف و منتقد

^۱ - Anomie

می‌گردد. تحول عقاید در یک جهت صورت نگرفته، بلکه یک مسیر ناپیوسته را طی نموده است. جامعه بشری در سیر تکوینی خود و در فرآیند گذار از جامعه سنتی و قبیله‌ای به جامعه مدرن و تا زمان شکل‌گیری دولت مدرن و مفهوم دولت-ملت، با چالش اشرافیت اشتراکی افلاطون و فردگرایی ارسطو در دوران باستان آغاز و با چالش جمع‌گرایی و فردگرایی سوداگران و فیزیوکرات‌ها در دوران رنسانس استمرار یافته است. تا اینکه در زمان طرح و تدوین دانش اقتصاد توسط آدام اسمیت (۱۷۷۶ میلادی تا دهه ۱۹۳۰) به‌طور کلی دو نگرش اقتصادی به‌صورت فردگرایی آزادی خواهانه و دولت حداقلی «مکتب کلاسیک» (اقتصاد سرمایه‌داری یا آزاد) و جمع‌گرایی و دولت حداکثری سوسیالیسم - مارکسیسم (اقتصاد دولتی) بر نظام‌های اقتصادی جوامع بشری حاکم بوده است. اما پس از بحران اقتصادی ۱۹۳۰ افراط در اندیشه‌های اصالت منافع فرد در کشورهای سرمایه‌داری، گسترش بحران‌ها و فسادهای اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری و در عین حال گسترش فقر، فساد و جرایم اقتصادی دولتی در کشورهای سوسیالیستی و همچنین با تحولات عظیم در علوم اجتماعی از جمله در اقتصاد و حقوق، در نهایت برای پاسخ به مشکلات اقتصادی جامعه، اندیشه‌های افراطی اقتصادی نیز متحول گردید. در کشورهای سرمایه‌داری، دولت حداقلی و کلاسیک نقش بیشتری در اقتصاد پیدا کرد و در کشورهای سوسیالیستی در کنار دولت، بخش خصوصی نیز وارد اقتصاد گردید. نظام سومی با عنوان نظام اقتصادی مختلط تحت تأثیر اندیشه‌های اقتصادی نئوکلاسیک و متعاقباً «اقتصاد نهادگرا»^۱ در توازن منافع فردی و جمعی در اقتصاد مطرح گردید، نظامی که امروز قریب به اتفاق، تمامی نظام‌های اقتصادی جهان از آن بهره‌می‌برد (دادگر، ۱۳۹۸: ۱۸).

منافع فردی هسته اصلی اقتصاد سرمایه‌داری یا بازارمحور^۲ می‌باشد. مالکیت خصوصی، انباشت سرمایه، بازارهای رقابتی، اخلاق کسب‌وکار، پرداخت دستمزد به نیروی کار، پرداخت سود خالص به صاحبان سرمایه انسانی و صاحبان سرمایه فیزیکی ارکان اصلی اقتصاد سرمایه‌داری است (موسوی و موسوی گاوگانی، ۱۳۹۵: ۱۲۳) تجارت، صنعت و ابزارهای تولید عمدتاً در دست افراد بخش خصوصی است. هدف، مطلوبیت اقتصادی و نفع فردی است که توسط «انسان اقتصادی»^۳ دنبال می‌گردد و حداکثر کردن مطلوبیت اقتصادی و نفع شخصی در نهایت به نفع جامعه تمام می‌شود که در اقتصاد سرمایه‌داری به «دست نامرئی»^۴ یا «اصل سفر»^۵ معروف می‌باشد. در این نوع اقتصاد، یک «دولت حداقلی یا ژاندارم»^۶، بدون دخالت در اقتصاد، صرفاً در کنار دیگر دستگاه‌های اصلی حاکمیت به‌خصوص قوه قضائیه برای تسهیل کارکرد چرخشی آزاد اقتصاد، با قوانین ارشادی (اداری، اقتصادی، حقوقی) یا قهری (کیفری) از حقوق مالکیت و قراردادهای صیانت می‌کند (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

منافع جمعی هسته اصلی اقتصاد سوسیالیسم یا برنامه‌محور^۷ می‌باشد. سوسیالیسم درصدد اجتماعی کردن ابزار تولید است. سوسیالیسم در مقابل تعالیم فردگرایانه لیبرالیسم اقتصادی و سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. مهم‌ترین عنصر نظریه سوسیالیستی، تکیه بر برتری جامعه و سود همگانی بر فرد و سود فردی است (موسوی و موسوی گاوگانی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). سوسیالیسم نافی این نظریه است که پیگیری نفع فردی به‌صورت نامرئی به نفع اجتماعی می‌انجامد، بلکه دخالت اکثریت و دولت، می‌تواند نفع عمومی را از دستبرد افراد در امان دارد. از این‌رو لبه تیز انتقاد سوسیالیست‌ها به‌سوی «مالکیت خصوصی» به‌عنوان اساسی‌ترین مؤلفه سرمایه‌داری

^۱ - اقتصاد نهادگرا (Institution Economic) به نوعی تفکر آمریکایی محسوب می‌شود و اقتصاد را متشکل از نهادهایی مانند بازار، دولت، فرهنگ، دولت، مقررات، ایدئولوژی و... می‌داند و معتقد است واقعیت‌های اقتصادی باید در لوای تاریخ نهادهای آنها و از طریق روش‌های عملگراییانه‌ای همچون توصیف آماری، شیوه استقرایی مورد مطالعه قرار بگیرند (رمضانی باصری و میر فردی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

^۲ - Market Economy

^۳ - Economic Man

^۴ - Invisible Hand

^۵ - اصطلاح سفر یک اصطلاح فرانسوی (lassiez faire: let them do it) و به‌معنای «بگذار بگذرد» است. «سفر یعنی: بگذار تا انسان عادی خود انتخاب و عمل کند. مجبورش مکن که گردن به خواست دیکتاتور نهد.

^۶ - Minimum (Classic) Government

^۷ - Planning Economy

بوده است و آن را سرچشمه تمامی مفاسد و بیدادگری‌ها و نابرابری‌های زیان خیز اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. این مکتب، فرد را به مثابه عضوی از پیکره جامعه و نه در برابر آن می‌نگرد.

۲- نسبت پدیدارشناسی منافع فردی و جمعی اقتصادی با جرم‌انگاری اقتصادی

از زندگی فردی گرفته تا زندگی اجتماعی و جهانی، منافع فردی و جمعی عنصر بسیار مهم حیات بشری و ادامه‌دهنده آن بوده است (Haggard et al, 2008: 17). در طی فرایند گسترش جوامع و مؤلفه‌های مؤثر در حیات انسان، تاریخ اجتماعی وضعیت‌های گوناگونی را تجربه کرده است. قبایل با حقوق پدرسالارانه و «اقتصاد خودبسند»^۱، جوامع برده‌داری با حقوق تبعیض گروهی و اقتصاد بهره‌کشانه، جوامع فئودالی با حقوق استیلائی و اقتصاد منطقه‌ای همراه با حاکمیت منافع اربابان، جوامع کارگری با حقوق قراردادی، جوامع مدرن با اقتصاد سرمایه‌داری، دولتی یا مختلط نمایشی از هم‌نوازی نهادهای عمده اجتماعی در طول تاریخ بوده‌اند که تعامل حقوق و اقتصاد را نشان می‌دهند. در این راستا اگرچه واضح است که تاریخ پیدایش جرم، به تاریخ خلقت آدمی بر می‌گردد، اما در واقع این پدیده، مظهر زندگی جمعی و ناشی از فعل انسانی است که به آن جامعه تعلق دارد و رفته‌رفته با تحولات اقتصادی جوامع از شکل ساده به شکل پیچیده، گسترده و پیشرفته، دست‌خوش ناآرامی گردیده است؛ به‌طوری‌که حداقل در بعد تخلقات مالی و اقتصادی، پیش از ظهور نظام‌های اقتصادی مدرن، صحبت از جرایم مالی بوده است، تا اینکه به فراخور زمان و دوران بعد از رنسانس با پیدایش علم اقتصاد و شکل‌گیری ساختار منظم اقتصادی، جرایم اقتصادی به‌عنوان یکی از موانع کارکرد مطلوب نظام اقتصادی مطرح و در کانون توجه حقوق کیفری قرار گرفت. نظام‌های اقتصادی متعارف^۲ (سرمایه‌داری و سوسیالیستی) که بر پایه اندیشه‌های اصالت منافع فرد یا جمع شکل گرفته، در درون خود نیز جرایم مغل این تفکرات را پروراندند. در این مسیر، نظام‌های اجتماعی به گفته مارکس از نظام حقوقی

به‌عنوان ابزار حمایتی بهره‌مند و از حقوق کیفری در جهت صیانت و تحقق اهداف نظام اقتصادی بهره جستند (مکی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰). زیرا نظام اقتصادی و نظام حقوقی هم عرض یکدیگر بوده و با استقلال اندیشه از یکدیگر با تأکید بر اصل وابستگی‌شان به منبع واحد نظام اجتماعی، موجبات حفظ و حیات نظام اجتماعی مدرن را برقرار می‌کنند. زمانی که قواعد اقتصادی موفق نمی‌شوند، تابعان خود را به تبعیت از قواعد اقتصادی وادار کند، نهاد حقوق کیفری در کانون توجه قرار می‌گیرد تا بستر نظم اقتصادی را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم نماید (Aldashev, 2009, 4).

نظام اقتصادی سرمایه‌داری با تفکرات لیبرالیستی با تکیه بر مبانی آزاد اندیشانه در جهت حمایت از منافع فردی، دولت حداقلی با وظیفه حفظ امنیت مرزها، امنیت داخلی و تعیین قوانین را در رأس امور دارد. کنش‌گران این نظام با تکیه بر اصل اباحه در تمامی رفتارها و فعالیت‌های اقتصادی خود آزاد هستند تا زمانی که ضرری به دیگری وارد نگردد. در چنین نظامی حقوق کیفری الزامات، باید و نبایدهای خود را بیش از آنکه از ارزش‌های پیشینی معمول در حقوق کیفری دریافت کند، طی فرآیند، از درون نظام اقتصادی بدست می‌آورد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۳). اصالت فرد و حداکثرسازی منفعت و سود به‌عنوان اهداف عینی اقتصاد، مبنای جرم‌انگاری اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. الزامات و بایدهای ممکن، صرفاً در جهت حمایت از افزایش کارایی، توسعه و حذف موانع کارایی و توسعه وارد حقوق کیفری اقتصادی می‌گردد. کیفر و مجازات نیز به‌صورت محاسبه سود-زیان بررسی می‌گردد که اثر آنها، مانع کارایی یا توسعه اقتصاد نگردد. حقوق کیفری کارایی‌محور که به‌صورت پسینی نظاره‌گر، پشتیبان کارایی و توسعه نظام اقتصادی بوده و هم‌نوا با تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی متحول و در قالب حقوق کیفری اقتصادی نسبی و پویا هم‌عرض نظام اقتصادی عمل می‌کند (Chapra, 1993: 45). عمده‌ترین جرایم اقتصادی در این نظام، جرایم علیه مالکیت مادی و معنوی، جرایم بانکی، جرایم تجارت الکترونیک و مبتنی بر سوء استفاده از اطلاعات اقتصادی، جرایم بورسی، شرکتی، رایانه‌ای، ثبتی، مالیاتی و رقابت غیر منصفانه هستند (حسنی،

^۱ - Autarky Economic

^۲ - Orthodox Economics

۱۳۹۳: ۱۲۷). در مقابل در نظام‌های سوسیالیستی با تکیه بر تفکرات جمع‌گرایانه و نفی اصالت فرد و عقل، دولت عقل کل و مصلح بزرگ است که بیش و پیش از مردم صلاح آنان را می‌داند (نمازی، ۱۳۹۳: ۲۴۵). در چنین نظامی با حقوق کیفری پیشینی، مداخله‌جو در جامعه و حریم خصوصی مردم مواجه هستیم. «دولت حداکثری»^۱ هنجارگرا که با ایدئولوژی برابرخواهی، عدالت‌خواهی، تسلط دولت بر نهادهای تولید، توزیع، مصرف، عدم تأکید بر کارایی، توسعه و در عین حال استفاده ابزاری از حقوق کیفری اقتصادی، نتیجه‌ای نابرابر رقم می‌زند (مینیاور سجادی، ۱۳۹۳: ۴۰). زیرا عدم تمایز کافی در کنار احکام کلی و هنجاری- ایدئولوژیک و نیز گستردگی دولت و تمایل به استفاده از حداکثری از حقوق کیفری، منجر به جرم‌انگاری‌های ارزشی و کلی^۲ در این نظام می‌گردد. در نتیجه، حمایت حداکثری از تمام ابزارهای ممکن در جامعه برای حمایت و تحقق ایدئولوژی‌ها (اعم از سیاسی یا دینی) و هنجارهای مورد تأکید اقتصاد دولتی و عدم حمایت از مالکیت و منفعت شخصی کنشگران، موجب افزایش ناگزیر جرایم رشوه، رانت‌خواری در اقتصاد، سوءاستفاده از موقعیت، سوء استفاده از اموال عمومی، جرایم علیه برنامه و بودجه و در کل هرگونه اختلال در برنامه‌ریزی اقتصادی و انواع فساد اقتصادی و اداری می‌گردد.^۳ (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

حقوق کیفری نیز تابع ساخت نظام اقتصادی متعارف (فردمحور و جمع‌محور) است؛ بر همین اساس در جهت صیانت از منافع فردی یا جمعی اقدام به جرم‌انگاری اقتصادی

می‌نماید. اما از دهه ۱۹۳۰ میلادی که نظام‌های اقتصادی از شکل سنتی و افراطی خود به‌صورت «اقتصاد مختلط»^۴ (ترکیب بازار و دولت) درآمدند، حقوق کیفری نیز در جهت تحقق رسالت صیانت از نظام اقتصادی با چالش مواجه شد. چالش اختلاط اصالت فرد با اصالت جمع در مباحث اقتصادی، دوباره تمامی مطالعات علوم اجتماعی را درنوردید. ظهور تفکرات «دگراندیشانه» در علوم اقتصادی و پست‌مدرنیسم در حقوق کیفری نشان داد که نظام اجتماعی پویا، پیچیده و غیر خطی می‌باشد و تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و حقوقی باید بر اساس واقعیت‌های جاری و پویای جامعه صورت بگیرد (متوسلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱-۳). بحران جرایم اقتصادی مصداقی مهم بر این ادعا می‌باشد که با تحول سریع نظام‌های اقتصادی از نیمه قرن بیستم و به علت عقب‌ماندگی حقوق کیفری متعارف در جرم‌انگاری اقتصادی نوین به موضوعی مهم و دغدغه بزرگ کشورها از نظر اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی (بحران مشروعیت) بدل گشت. حقوق کیفری با تکیه بر اصول متعارف جرم‌انگاری، سعی در مبارزه برون‌زا با جرایم اقتصادی داشت ولی نتایج مطلوبی را در پی نداشت؛ چراکه نگاه حقوق کیفری تک‌بعدی فردگرایانه یا جمع‌گرایانه بود. اما در نیمه قرن بیستم تحت تأثیر اندیشه‌های پست‌مدرنیسم اقتصادی، حقوق کیفری از حالت برون‌زایی درآمده و با ارتباط و پیوستگی متقابل با نظام اقتصادی، ارزش‌های اقتصادی بنیادین و اساسی را دریافته و تخطی از آنها را جرم‌انگاری نموده، در قالب رشته‌ای به نام حقوق کیفری اقتصادی به ابزاری در ید نظام اقتصادی در جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی تبدیل گردیده است (شهابی، ۱۳۹۲: ۶۵۱-۶۵۳). اسناد و همکاری‌های بین‌المللی متعدد در جهت جرم‌انگاری نوین اقتصادی همگام با تحولات اقتصادی جهت صیانت از مبادلات و همکاری‌های اقتصادی شکل گرفت.

^۱ - Maximum Government

^۲ - قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی و جرم‌انگاری تحصیل مال از طرق نامشروع مقرر در ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در ایران مصادیقی از جرم‌انگاری ارزشی و کلی می‌باشد.

^۳ - بر اساس قوانین فعلی و شواهد تاریخی، نظام اقتصادی ایران با شکل‌گیری مدون از زمان رضاخان پهلوی تا بعد از انقلاب اسلامی، اقتصاد دولتی می‌باشد. هرچند در قانون اساسی حضور بخش خصوصی در اقتصاد پذیرفته شده است، ولی در عمل با اقتصاد غالب دولتی مواجه هستیم، لذا طبیعی است که جرم‌انگاری اقتصادی نیز بیشتر در جهت حفظ منافع دولتی و جمع باشد و جرم‌انگاری اقتصادی در جهت حفظ منافع بخش خصوصی بسیار ضعیف می‌باشد که سیری اجمالی بر قوانین جرایم اقتصادی مؤید موضوع است. به همین دلیل است که در ایران بیشتر با جرایم اقتصادی دولتی مواجه هستیم.

^۴ - Mixed Economic

۳- توصیه‌نامه شورای اروپا در توازن حمایت کیفری از منافع فردی و جمعی اقتصادی

اروپا به‌عنوان یکی از مراکز اصلی اقتصاد نوین همواره در بطن تحولات اقتصادی و نتایج ناشی از آن بوده است. تحولات و پیشرفت روزافزون اقتصادی و نیز توسعه اقتصاد بین‌الملل در اروپا موجب گردید تا جرایم اقتصادی نیز از وصف مالی خود خارج گردیده و به دغدغه‌ای مهم در سطح ملی و فراملی تبدیل گردد. شورای اروپا به‌عنوان یکی از مراکز تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۱ در توصیه‌نامه شماره ۱۲،^۱ با اعتقاد به اینکه خسارات جرایم اقتصادی متوجه عموم مردم و تمامیت نظام اقتصادی بوده و موجب کاهش اعتماد و نیز تضعیف دموکراسی است،^۲ سیاست‌هایی را به کشورهای پیشنهاد داد که از چند جهت قابل بررسی می‌باشد:

- گرچه در دهه‌های اخیر اسناد بین‌المللی متعددی در قالب رهنمود، قطع‌نامه، اصول راهبردی و کنوانسیون‌های کیفری هنجارگرا^۳ همچون کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان یافته در سال ۲۰۰۰ و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳ وجود دارد، اما چالش تاریخی توازن منافع فردی و جمعی در نظام‌های اقتصادی در اروپا مطرح گردید که تلاش دارد با تأکید بر واقعیت‌های اقتصادی در یک جامعه مفهوم کاربردی از جرم اقتصادی ارائه دهد و با توجه به اینکه تقریباً تمام دولت‌های عضو اتحادیه اروپا اشکال متفاوتی از اقتصاد مختلط را درپیش گرفته‌اند، توصیه‌ها بر توازن حمایت کیفری از بخش خصوصی و دولت در نظام اقتصادی می‌باشد.

- این سند مبتنی بر یافته‌ای آماری، جرم‌شناسی، اقتصادی می‌باشد که لیستی مشتمل بر جرایم اقتصادی علیه

بخش‌های خصوصی و دولتی را برای کشورهای عضو، توصیه می‌نماید تا کشورهای عضو برای بالا بردن استانداردهای شفاف‌سازی اقتصادی و پیشگیری از جرایم اقتصادی، قوانین خود را بازنگری نمایند و حقوق کیفری خود را همزمان و همعرض با نظام اقتصادی متحول نموده تا تمامی هنجارهای سنتی و نوین اقتصادی شناسایی و صیانت گردد.

- توصیه‌نامه شامل این جرایم می‌باشد: جرایم کارتلی (شامل تقلب، کلاهبرداری و سوء استفاده از موقعیت توسط شرکت‌های چندملیتی، کسب متقلبانه از دولت یا نهادهای بین‌المللی یا سوء استفاده از آنها؛ جرایم سایبری (مانند سرقت داده، تجاوز به اسرار، دستکاری داده‌ها)؛ بنگاه‌های تقلب، جرایم جعل و دستکاری ترازنامه‌های مالی و اسناد حسابداری شرکت؛ تقلب مرتبط با موقعیت اقتصادی و سرمایه مشترک شرکت‌ها؛ تجاوز به استانداردهای امنیت و سلامت کارگران در شرکت؛ تقلب به‌منظور آسیب به حقوق بستانکاران (مانند ورشکستگی، تجاوز به حقوق معنوی و صنعتی)؛ تقلب نسبت به مصرف‌کنندگان (به‌ویژه اظهار کذب و گمراه کننده در مورد کالا، جرایم علیه سلامت عمومی، سوء استفاده از ضعف و بی‌اطلاعی مشتری)، رقابت ناعادلانه و تبلیغات گمراه کننده، جرایم مالیاتی، جرایم گمرکی، جرایم پولی، جرایم بانکی و بورس و جرایم علیه محیط زیست (حسنی، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲).

- توصیه‌نامه از یک طرف الگوی راهبردی در حمایت کیفری همزمان از بخش خصوصی و دولتی می‌باشد و می‌توان از آن در تدوین سیاست جنایی مطلوب در توازن حمایت کیفری از بخش خصوصی و دولتی استفاده نمود. از طرف دیگر چون با توجه به آموزه‌های نوین اقتصادی در دهه میلادی خود تدوین گشته، به نوعی ما را به مطالعه، درک و وارد نمودن آموزه‌های اقتصادی به اصول جرم‌انگاری رهنمون می‌سازد. آموزه سنتز دانش اقتصاد و حقوق مهمترین آموزه اقتصادی در قرن بیستم در اروپا و آمریکا می‌باشد که تأکید می‌کند شکوفایی یک جامعه به اقتصاد شکوفا وابسته است و اقتصاد شکوفا به نظام حقوقی پشتیبان و «همنوا»^۴ با اقتصاد وابسته

¹ - Recommendation: No. R (81) 12 of the Committee of Ministers to Member States on Economic Crime (25 June 1981)

² - Council of Europe, Situation Report on Organized and Economic Crime in South-Eastern Europe, Strasbourg, September 2006, p. 52, available in: www.coe.int

³ - Normative Criminal Law

⁴ - Conformity

است. نظام اقتصادی و نظام حقوقی هر دو نظامی قاعده‌مند می‌باشند که هم‌عرض یکدیگر بوده و در استفاده قاعده‌مند از قواعد و ابزارها و هنجارها بهره‌مند می‌باشند.

۴- بایسته‌های نظری و عملی جرم‌انگاری اقتصادی در توازن منافع فردی و جمعی اقتصادی

نظام حقوقی به‌عنوان ابزاری در اختیار نظام اقتصادی برای هماهنگی، یکپارچگی و تنظیم نهادها روابط درون نظام اقتصادی با ضمانت اجرای حسب مورد مدنی، تجاری، انتظامی و در قهری‌ترین مورد کیفری می‌باشد که باید به‌عنوان ساختارهای نظم اجتماعی باید هماهنگ با یکدیگر باشند. چنین پنداشتی نتیجه کاربردی دارد؛ اینکه با توجه به استقلال جریان فکری، کارکردهای جداگانه و در نتیجه نهادهای متفاوت نظام حقوقی و اقتصادی، این امکان وجود دارد که کمیت و کیفیت سطح جریان مبانی به این نظام‌ها و تحت تأثیر قراردادن آن‌ها متفاوت باشد و هم‌نویی و هماهنگی میان آنها دچار اختلال گردد. زمانی (دوران ما قبل رنسانس) به دلیل آنکه تحولات اجتماعی اعم از فکر و فناوری چندان قوی نبود و تحولات نظام فکری به آهستگی در نظام اجتماعی تزریق می‌شد، تغییرات نظام اقتصادی و نظام حقوقی به شکل همگام و درون‌زا بود (Schumpeter, 2006: 79-87). اما در دوران بعد رنسانس با شتاب نیروهای تحول اجتماعی و مبانی نظری فکری از جمله مادی‌گرایی در جوامع غربی، به‌یکباره تحولات در نظام اقتصادی با سرعتی دو چندان همراه شد که امکان تنظیم تدریجی و درون‌زای نهادها و روابط میان‌نهادی نظام اقتصادی ممکن نشد. این امر موجب عقب ماندگی نظام حقوقی از نظام اقتصادی گردید و نظام حقوقی به ناچار به شکل برون‌زا و خودآگاه به تنظیم یکپارچگی ساختارهای اجتماعی از جمله ساختار اقتصادی پرداخت. حال آنکه لزوم مداخله حقوق کیفری در حوزه اقتصاد نیازمند تحول همگام با تحول در روش‌شناختی اقتصادی می‌باشد تا با شناسایی الزامات و ارزش‌های اساسی نوظهور اقتصادی به‌صورت نظری و علمی از آنها حمایت کند.

۴-۱- بایسته‌های نظری

پویایی اجتماعی گویای این نکته است که مبانی، اصول و معیارهای جرم‌انگاری به‌ندرت در گذشته وجود دارد و از آنجاکه قواعد آن برای تضمین اساس و الزامات مبنایی جاری نظام اجتماعی است، همواره در تمامی حوزه‌های نظام اجتماعی، به‌خصوص در حوزه جرایم اقتصادی بایستی اصول و آموزه‌های نوین اقتصادی استخراج و در کنار اصول متعارف جرم‌انگاری، به‌عنوان اصول نوین و بین رشته‌ای جرم‌انگاری مورد استفاده قرار گرفته تا جرم‌انگاری اقتصادی به شکلی دقیق و علمی عملیاتی گردد.

۴-۱-۱- اصول متعارف جرم‌انگاری

از زمان پیدایش جرم‌شناسی به‌خصوص با جرم‌شناسی مدرنیسم، مطالعه انسان و رفتارهای وی در هسته اصلی مطالعات جرم‌شناسی قرار گرفت و براساس عقلانیت ابزاری انسان اجتماعی و به‌صورت برون‌زا، اصولی برای جرم‌انگاری رفتارهای مغل نظم جامعه استخراج و وارد حقوق کیفری گردیده است که به‌عنوان اصول متعارف جرم‌انگاری اعم از اصل ضرر^۱، اصل پدرسالاری قانونی^۲، اخلاق‌گرایی قانونی^۳ و مصلحت عمومی^۴ در نظر گرفته می‌شوند. اصولی که حتی تا به امروز به‌صورت مرسوم، به‌خصوص در حوزه جرایم اقتصادی نیز حکم‌فرما است. حال آنکه از نیمه قرن بیستم، با ظهور نهادگرایی در دانش اقتصاد در مقابل اثبات‌گرایی و عقلانیت ابزاری، تنوع و تکثر در عناصر و مفاهیم نظام اقتصادی در تنظیم و هماهنگی فرایند میان آنها با چالش روبه‌رو شده است و دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی از جمله نظام حقوقی با تحولات بسیاری مواجه شدند (Waldrop, 1992: 145). در نظام حقوقی پست‌مدرنیسم با تکثرگرایی در حوزه مبنا و منبع قاعده حقوقی از یک‌طرف و عمل‌گرایی و تأکید بر ارتباط مستمر و مؤثر با متغیرهای اجتماعی از طرف دیگر دو شاخصه اصلی حقوق مدرن، با چالش روبه‌رو می‌شود. وحدت‌گرایی دولتی در حوزه مبنای

^۱ - Harm Principle

^۲ - Paternalism

^۳ - Legal Moralism

^۴ - Public interest

قاعده حقوقی به چالش کشیده شده و نوعی تکثرگرایی مشاهده می‌شود. تکثرگرایی ایجاب می‌نماید که گروه‌های مختلف اجتماعی در فرایند ایجاد قاعده حقوقی مشارکت کنند و نقش جدی در فرایند ایجاد قاعده حقوقی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر قاعده حقوقی نه محصول عقلانیت حقوقی که در دولت تعین یافته است که محصول مذاکره گروه‌های مختلف و بازیگران مختلف و از جمله خود دولت است. بنابراین مینا و منشأ الزام‌آوری و مشروعیت قاعده حقوقی را نه در دولت که بایستی در اجماع حاصل از مذاکره گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی دانست. به‌طوری‌که ره‌آورد تکثرگرایی در حوزه مبنای قاعده حقوقی موجب گردیده است که ابزار بیان قاعده حقوقی با وجود بازیگران بین‌المللی و داخلی، فقط قانون دولتی و عرف دولتی نباشد. بلکه مقررات بین‌المللی از یک طرف و نقشی که گروه‌ها و نهادهای مدنی و اقتصادی برآمده از فردگرایی اجتماعی برای خود قائل هستند، جایگاه قانون دولتی را تضعیف نموده و بر پیچیدگی ابزار بیان قاعده حقوقی افزوده است.^۱ (شهابی، ۱۳۹۲: ۶۷۹-۶۷۳)

لذا در تلاقی نظام حقوقی پست‌مدرنیسم و نظام اقتصادی نهادگرا باید بر دو نوع ارتباط و تعامل میان آنها تأکید نمود. ارتباط می‌تواند به‌صورت برون‌زا و در جهت تنظیم و یکپارچگی نظام اقتصادی توسط نظام حقوقی باشد؛ به‌طوری‌که نظام حقوقی به‌عنوان نهادی تنظیم‌کننده نظام اقتصادی می‌تواند در نظر گرفته شود (گروینوگن و همکاران،

۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۹). در این مسیر نیز الزاماً نظام حقوقی بایستی الزامات و هنجارهای اساسی اقتصادی را شناسایی کرده و با تدوین اصول نوین اقتصادی-حقوقی اقدام به جرم‌انگاری اقتصادی نماید و به نوعی همگام باهم در پیشرفت جامعه عمل کنند.^۲ زیرا جرایم اقتصادی اصولاً به جهت طبیعت خاص خود و همچنین پیشرفت روزافزون وسایل ارتباطی و ظهور گونه‌های جدید مبادلات تجاری، رشد اشخاص حقوقی خصوصی، تجارت الکترونیک در حوزه صادرات و واردات بروز و ظهور پیدا می‌کنند و قانون باید قابلیت انعطاف‌پذیری و تطبیق با موقعیت‌ها و فناوری‌های جدید مجرمانه را داشته باشد و قانون‌گذار هم نباید به گونه انفعالی عمل کرده و بعد از اینکه فن و فنون مختلف را از بزه‌کاران آموخت بلافاصله آن را وارد قانون نماید.^۳

۴-۱-۲- اصول پسامتعارف جرم‌انگاری^۴

بررسی واقعیت‌های اقتصاد امروزی، سنتز شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی به‌خصوص اقتصاد و حقوق، شناسایی و مطالعه نظام اقتصادی به‌عنوان بستر جرایم اقتصادی، بررسی تحولات

^۲ - چنین نگاهی به جرم‌انگاری اقتصادی مبنی بر اینکه در کنار اصول متعارف جرم‌انگاری، باید واقعیت‌های اقتصادی و آموزه‌های نوین اقتصادی-حقوقی را پذیرفته و متناسب با هنجارها و الزامات اقتصادی اصول نوین جرم‌انگاری را در نظر گرفت، نتیجه عملی دارد که مثال بارز آن کشور ایران می‌باشد که صرفاً با تکیه بر اصول متعارف جرم‌انگاری و با سیاست‌های عوامگرایی، ایدئولوژیکی، دینی، اقدام به جرم‌انگاری می‌نماید که در نهایت نتیجه همان می‌شود که در ایران حاکم است؛ فقدان مبانی مشخص در جرم‌انگاری، جرم‌انگاری مبتنی بر وقایع، سیاست حداقل یا حداکثر تسامح در کیفر انگاری، ضعف شیوه قانون‌نویسی در مواجهه با جرایم اقتصادی، ابهام در مفهوم و مصادیق جرایم اقتصادی، خلأ قانونی نسبت به فرصت‌های جدید مجرمانه، بی‌هنجاری تقنینی از لحاظ تعارض قوانین جرایم اقتصادی، قوانین معیوب یا ناقص، تعدد مراجع جرم‌انگاری.

^۳ - نمونه بارز چنین رفتاری از قانون‌گذار، تصویب قانون مجازات تشکیل دهندگان شرکت‌های هرمی در قالب بند «ز» الحاقی به قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی می‌باشد که قانونی متکی بر تجربیات و عملکرد بزه‌کاران است و توان انعطاف و تطبیق با فعالیتهای بازاریابی جدید با ظاهری قانونی اما مجرمانه را ندارد.

^۱ - چنین نگاهی به جرم‌انگاری اقتصادی مبنی بر اینکه در کنار اصول متعارف جرم‌انگاری، باید واقعیت‌های اقتصادی و آموزه‌های نوین اقتصادی-حقوقی را پذیرفته و متناسب با هنجارها و الزامات اقتصادی اصول نوین جرم‌انگاری را در نظر گرفت، نتیجه عملی دارد که مثال بارز آن کشور ایران می‌باشد که صرفاً با تکیه بر اصول متعارف جرم‌انگاری و با سیاست‌های عوامگرایی، ایدئولوژیکی، دینی، اقدام به جرم‌انگاری می‌نماید که در نهایت نتیجه همان می‌شود که در ایران حاکم است؛ فقدان مبانی مشخص در جرم‌انگاری، جرم‌انگاری مبتنی بر وقایع، سیاست حداقل یا حداکثر تسامح در کیفر انگاری، ضعف شیوه قانون‌نویسی در مواجهه با جرایم اقتصادی، ابهام در مفهوم و مصادیق جرایم اقتصادی، خلأ قانونی نسبت به فرصت‌های جدید مجرمانه، بی‌هنجاری تقنینی از لحاظ تعارض قوانین جرایم اقتصادی، قوانین معیوب یا ناقص، تعدد مراجع جرم‌انگاری.

⁴ - Heterodox Principles of Criminalization

اقتصادی، درک عبور از اقتصاد تک‌محوری به اقتصاد موزون و متعادل، درک تکثر مبنایی در قانون‌گذاری موجب می‌گردد که حداقل در حوزه جرم‌انگاری نیز باید از اصول متعارف به اصول پسامتعارف حرکت کرد. وقتی مقدمه و شش ماده توصیه‌نامه شورای اروپا و لیست جرایم اقتصادی را به‌عنوان سندی جامع برای کشورهای اروپایی که اقتصاد مختلط از منافع فردی و جمعی را در پیش گرفتند را بررسی کنیم، از جمله اینکه جامعه به‌عنوان یک کل در نظر گرفته شده است که در برابر جرایم اقتصادی آسیب پذیر می‌باشد، اولویت اصلاحات ساختاری، قوانین ارشادی اعم از قوانین مدنی، تجاری و اداری بر ابزار کیفری به‌عنوان آخرین راهکار الزامی است. لزوم بازبینی حقوق کیفری و استمرار تحولات آن با آخرین تحولات نظام اقتصادی بسیار مهم می‌باشد. همچنین عاملان و نهادهای خصوصی فعال در فعالیت‌های اقتصادی باید در امور تقنینی جرم‌انگاری و مبارزه با جرایم اقتصادی به رسمیت شناخته شده و حضور مؤثر داشته باشند. درمی‌یابیم اصول نوین جرم‌انگاری اقتصادی منطبق با آموزه‌های نوین اقتصادی قابل شناسایی هستند که می‌تواند راهنمای ما در جرم‌انگاری اقتصادی مطلوب باشد، اصولی مانند؛ «اصل کلی نگر»، «اصل انطباق»، «اصل جامع نگر»، «اصل لزوم تحول حقوق کیفری اقتصادی همگام با تحول نظام اقتصادی»، «اصل مشارکت بخش خصوصی در جرم‌انگاری».

۴-۱-۲-۱- اصل کلی‌نگری

از نظر اقتصاددانان نهادگرا، نظام اجتماعی به‌عنوان یک نظام غایی می‌باشد که ترکیبی از خرده نظام‌های حقوقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به هم پیوسته می‌باشد. در این رویکرد، نظام حقوقی مشتمل بر همه قوانین حقوقی است که بر رفتار عوامل اقتصادی در هر جامعه حکم‌فرما است، نظام فرهنگی دربرگیرنده ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ جامعه می‌باشد. نظام سیاسی نیز نهادهایی مانند مجلس قانون‌گذاری را شامل می‌شود که فرایند سیاسی را هماهنگ می‌کند و نظام اقتصادی نیز مجموعه‌ای از قواعدی است که رفتارهای فردی را تشکیل می‌دهد و تعاملات را با توجه به تولید، مصرف، توزیع کالاها و خدمات را هماهنگ می‌کند. نهادهای اقتصادی مانند رقابت، قراردادهای، قانون تجارت، قوانین کیفیت

محصولات و مصرف‌کننده و نیز قوانین مالکیت دربرگیرنده قواعد بازی هستند که توسط نظام قانونی و قضایی تعیین می‌شوند. لذا تمامی خرده نظام‌ها در داخل نظام اجتماعی در تعامل با یکدیگر می‌باشند و نظام اقتصادی با نظام‌های فرهنگی، حقوقی و سیاسی پیوند دارد که به‌صورت متغیرهای برون‌زای بر ساختار نظام اقتصادی اثرگذار می‌باشند. از طرف دیگر همین خرده نظام‌ها در داخل خود نیز دارای همان خرده نظام‌ها می‌باشند؛ به‌طوری‌که هریک از نظام‌های اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی در داخل خود مشتمل بر یکدیگر می‌باشند که مجموعه همه اینها نظام درهم تنیده اجتماعی را شکل می‌دهد. به‌طوری‌که خود نظام اقتصادی مشتمل بر خرده نظام‌های فرهنگی، حقوقی و سیاسی درکنار دیگر نهادهای اقتصادی با کارکرد ویژه مانند نظام مالی، تولید، نیروی کار که به‌عنوان مکانیزم اقتصادی می‌باشد که رفتارهای اقتصادی را شکل می‌دهند. در مقابل، نظام حقوقی نیز خود مشتمل بر مجموعه خرده نظام‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کنار دیگر نهادها با کارکرد ویژه از جمله حقوق کیفری می‌باشد که به‌عنوان خرده نظام حقوقی در داخل نظام کلی حقوقی در جامعه قابل شناسایی هستند و وظیفه حراست از نهادها و ساختار نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بر عهده دارد. لذا بر اساس این رویکرد، نگاه خاص و تک‌بعدی به جرایم اقتصادی نگاهی کاملاً ناقص به‌شمار می‌رود. بلکه با درک اینکه نظام حقوقی و اقتصادی در هم تنیده با نظام‌های دیگر در داخل کل غایی نظام اجتماعی هستند، بایستی در زمان قانون‌گذاری (اعم از کیفری، مدنی، تجاری) یا قانون‌زدایی کل ساختار جامعه در نظر گرفته شود (گروینوگن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۹).

۴-۱-۲-۲- اصل انطباق

یکی از موضوعات مهم در مطالعات اقتصاد کلان، انجام مطالعات اقتصادی جهت انطباق نظام حقوقی با نظام اقتصادی است (مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). نظام اقتصادی هر جامعه‌ای در منطقه جغرافیایی و قلمرو سرزمینی خاص باید منطبق بر الزامات، هنجارها، فرهنگ (دین، ایدئولوژی، سنت)، محیط زیست و... باشد و قیاس با قوانین اقتصادی کشورهای دیگر با توجه به ساختارهای متفاوت نظام

پیشرفت‌های اقتصادی، الزامات و عناصر اساسی شناسایی و با جرم‌انگاری رفتارهای ناقض آنها صیانت گردند.^۱

۴-۱-۲-۵- اصل حضور بخش خصوصی در قانونگذاری اقتصادی

از نظر مبنای ایجاد قاعده، به‌طور مرسوم، حاکمیت و دولت به‌عنوان مرجع صالح قانون‌گذاری، در مقابل بخش خصوصی به‌عنوان شخص ثالث محسوب نمی‌گردد. در واقع دولت و بخش خصوصی هر دو به‌عنوان فعالان اقتصادی در یک طرف محسوب می‌شوند. لذا لزوم مشارکت بخش خصوصی در جرم‌انگاری اقتصادی در کنار دولت امر مهمی هست که بایستی در نظر گرفته شود. در نظام مختلط اقتصادی فرض بر این است با توجه به تقابل نیروهای خصوصی با عمومی و پیچیدگی نظام اقتصادی، حقوق کیفری باید الزامات و بایسته‌های خود را از نهادهای تشکیل دهنده نظام اقتصادی دریافت نماید و از آنها حمایت کند. از آنجا که حقوق کیفری در دست حاکمان جامعه است و حاکمان نیز در جرم‌انگاری و تدوین مقررات منافع دولت را در نظر می‌گیرند تا منافع بخش خصوصی و این امر موجبات رکود اقتصادی و تضعیف بخش خصوصی را می‌گردد؛ لذا از آنجا که در نظام اقتصادی بخش خصوصی و دولتی در کنار هم در اقتصاد فعالیت دارند، توازن منافع فردی و جمعی ایجاب می‌نماید تا بخش خصوصی نیز در قانون‌گذاری اقتصادی و به طریق اولی در جرم‌انگاری اقتصادی حضوری فعال داشته باشد (براتی، ۱۳۹۸: ۲۳۳).

اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی نتایج مطلوبی ندارد (Faundez, 2016: 386) لذا بعد از اصلاحات کلی‌نگری در نظام اقتصادی، بایستی نظام حقوقی منطبق بر نظام اقتصادی باشد و با شناسایی الزامات و هنجارهای نظام اقتصادی نظام اجتماعی خاص، اقدام به جرم‌انگاری نماید.

۴-۱-۲-۳- اصل جامعیت

اصل جامعیت یکی از اصول مهم در اقتصاد خرد، به‌خصوص در زمان تنظیم بودجه یک کشور می‌باشد که بسیار مهم در حوزه مالی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. این اصل در حوزه جرم‌انگاری اقتصادی ایجاب می‌نماید تا ارکان و عناصر بنیادین نظام اقتصادی شناسایی گشته، سپس نظام حقوقی منطبق با نظام اقتصادی تدوین گشته، در نهایت با جرم‌انگاری جامع اقتصادی، کل نظام اقتصادی تحت صیانت و پشتیبان حقوق کیفری قرار بگیرد.

۴-۱-۲-۴- اصل همنوایی در تحول

جرم، پدیده انسانی و اجتماعی بوده و همانند انسان و اجتماع پویا می‌باشد. صحبت از حقوق کیفری و واکنش علیه این پدیده انسانی و اجتماعی، واقعیت انکارناپذیر تحول این واکنش‌ها و حقوق کیفری در بستر تحول جامعه به‌خصوص تحولات اقتصادی را مشخص می‌نماید (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۶). جامعه نظامی پویا است و در سیر تاریخی از نظر زیرساخت‌های اقتصادی، دچار تحولات اساسی شده است؛ به‌طوری‌که جامعه امروزی با جامعه سه قرن پیش غیر قابل قیاس می‌باشد. لذا با نظر به پویایی نظام اقتصادی، بی‌هوده است که فکر کنیم حقوق کیفری و ارکان آن از جمله جرایم، حالت ایستایی دارند و حقوق کیفری در برابر جامعه باید حالت ایستایی داشته باشد زیرا چنین رویکردی می‌تواند کارکردهای حقوق کیفری را مختل سازد (همیلتون، ۱۳۸۶: ۹۳). با توجه به پویایی نظام اقتصادی و تحولات سریع در این عرصه، برای رعایت اصل جامعیت، بایستی نظام حقوقی همگام با تحولات اقتصادی متحول گردد، به‌طوری‌که با ورود و ظهور

^۱ - در ایران نقایص جرم‌انگاری در حوزه حمل و نگهداری کالای قاچاق در قانون قاچاق کالا و ارز، عدم تسری بزه رشاء، ارتشاء، اختلاس و تصرف غیر قانونی به سایر مقام‌های دولتی در ماده ۳ و ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، خلأ جرایم مرتبط با صادرات و واردات، جرایم تقلب در اسناد تجاری، جرایم شرکتی، جرایم علیه رقابت و کارتل، استانداردهای کار و تولید، جرایم علیه محیط زیست، جرایم خیانت در امانت در شرکت‌های خصوصی بزرگ مانند بانک‌های خصوصی، جرایم اختلاس و ارتشاء در بخش خصوصی، استفاده غیر مجاز از تسهیلات بانکی و مشکل عجیب و بزرگ معوقات بانکی و به‌طور کلی جرم‌انگاری مرتبط با خصوصی سازی مصادیقی از عدم حضور حقوق کیفری متحول شده با واقعیت‌های اقتصادی می‌باشد.

۴-۲- بایسته‌های عملی

«عملگرایی»^۱ بیش از آنکه قالبی از یک نظریه باشد، یک سلوک اخلاقی است (خالقی و شاهچراغ، ۱۳۹۳: ۵۸)؛ سلوکی که در سیاست، فلسفه، اقتصاد و حقوق و دیگر رشته‌ها رسوخ پیدا کرده است. به نظر عملگرایان، اندیشه‌های آدمی قواعد عمل برای وی هستند و برای کسب وضوح کامل در اندیشه‌ها درباره یک موضوع فقط باید تعیین گردد که آن موضوع چه نتایج عملی متصور می‌تواند داشته باشد و منظور از این نتایج عملی آن است که چه تأثیراتی می‌توانیم از آن انتظار داشته باشیم و چه واکنش‌هایی باید در مقابل نشان دهیم. این اندیشه در همه علوم انسانی از جمله در حقوق پیامدهایی دارد؛ اینکه بر اساس مصلحت و سودمندی باید اقدام به جرم‌انگاری نمود و با تحلیل اقتصادی از حقوق، از قضاوت، قانون، رویه قضایی و در نهایت از سلطه حاکمیت برای مصلحت، تنظیم، هماهنگی ساختاری و نهادی جامعه اقدام نمود (مهدوی و پاداش، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۷).

اقتصاددانان، عملگرایی اقتصادی را بر عینیت حقیقت و مصلحت تأکید، اما آن را به منفعت و سودمندی تفسیر می‌کنند و معتقدند با تأکید بر کارایی اقتصاد در زندگی اجتماعی، بایستی نتیجه و هدف اقتصاد را در عمل بررسی نمود. نظام اقتصادی و جامعه محل تعارض منافع است و اقتصاد باید با درک این واقعیت بر تعادل‌سازی آن گام نهد. لذا عملگرایی از این نظر که فعالیت‌های فکری از جمله نظام اقتصادی را با واقعیت‌های زندگی هم‌گام ساخته و به آن نماد واقعی می‌بخشد، امری پذیرفته و شایسته تحسین است. درکنار عملگرایی اقتصادی، عملگرایی حقوقی نیز ضروری است. عملگرایی حقوقی را اینگونه تعریف می‌کنند: «تمایل به ساخت رویه قضایی بر اساس واقعیت‌ها و نتایج، نه بر اساس تصورات انتزاعی و اصول کلی» (Posner, 2003: 59). پاسنر عملگرایی حقوقی را به خاطر داشتن جامعه پرسرعت، رقابتی، آینده‌نگر، اقتصادی و مادی‌گرا مختص جامعه اقتصادی سرمایه‌داری می‌داند (کاویانی، ۱۳۸۶: ۶۳). به نظر پاسنر مهم‌ترین کارکرد حقوق کیفری در جامعه اقتصادی، بازداشتن

مردم از تجاوز به سیستم مبادله و معاوضه‌ای است. (Posner, 1985: 1195) لذا استناد به نظریه‌های انتزاعی و تجریدی اقتصادی و حقوقی و فلسفی نه تنها ارتباط اندکی با واقعیات زندگی اقتصادی دارند، بلکه مانع شکوفایی اقتصادی نیز هستند. لذا در بعد مبارزه با رفتارهای مانع شکوفایی اقتصادی تحت عنوان جرایم اقتصادی، جرم‌انگاری اعمال باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ اقتصادی، کارآمد و بر اساس واقعیات اقتصادی بوده و رفاه اجتماعی را افزایش داده و وقوع جرایم اقتصادی را پیشگیری نموده و در موارد ارتكابی نیز عنصر قانونی جرم‌انگاری رفتار ارتكابی در سیاهه قانون موجود بوده تا تضمین حمایت کیفری تحقق یابد تا علاوه بر مانع بودن بر جرایم اقتصادی خود موجب تحول و تکامل همزمان حقوق کیفری اقتصادی و نظام اقتصادی شده و در عین حال توازن منافع فردی و جمعی در نظام اقتصادی نیز تأمین گردد. شاخصه‌هایی چون کارآمدی جرم‌انگاری اقتصادی، کارایی جرم‌انگاری شروع به جرم، کارایی و لزوم توجه به خواست و فعل ارادی مرتکب در بعد تقنینی ماهوی، از طرف دیگر کارایی و کارآمدی در دستگاه قضایی با معیارهای استقلال، نهادهای افتراقی تعقیبی و رسیدگی، سازوکارهای شفاف و افتراقی در بعد تقنینی شکلی در مبارزه با جرایم اقتصادی در این رویکرد اهمیت دارند.

نتیجه‌گیری

از زمان شکل‌گیری نظام اقتصادی مدرن به‌عنوان مرکز ثقل اقتصاد، ثروت و مادیات از منظر رویکرد دورکیمی طبیعتاً رفتارهای غیرقانونی اقتصادی از موانع پیشرفت و توسعه نظام اقتصادی در نظام‌های اجتماعی بوده است. در عین حال تفاوت‌ها و تحولات اجتماعی از جمله تفاوت‌ها و تحولات طبیعی، جغرافیایی، انسانی و مذهبی گویای پویایی و غیر خطی بودن نظام اجتماعی می‌باشد. پویایی اجتماعی نیز گویای این نکته است که مبانی، اصول و معیارهای جرم‌انگاری به‌ندرت در گذشته وجود دارد و از آنجا که قواعد آن برای تضمین اساس و الزامات مبنایی جاری و زنده نظام اجتماعی است همواره باید اصول آن از مناسبات جاری اجتماعی و به شکل پویا استخراج شود. در حوزه اقتصاد نیز باید گفت نظام اقتصادی بستر تعارض منافع (اعم از فردی و

^۱ - Pragmatism

اروپایی با اقتصاد پیشرفته دارد، استنباط گردیده، جرم‌انگاری اقتصادی به شکلی دقیق و علمی عملیاتی گردد.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان نویسنده اصلی و سایرین به‌عنوان همکار عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد نخست، چاپ سی و سوم، تهران: انتشارات میزان.

- براتی، امیر نظام (۱۳۹۸). *حکمرانی خوب و مبارزه با مفاسد اقتصادی (بررسی حقوق ضد فساد در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی)*. چاپ اول، تهران: نشر مجد.

- تفضلی، فریدون (۱۳۸۱). «از یونان و روم باستان تا انقلاب صنعتی (تکامل آهسته اندیشه‌ها و تفکر اقتصادی)». *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۶۱: ۱۰۷-۱۴۷.

- حسنی، جعفر (۱۳۹۳). *معیارهای جرم‌انگاری اقتصادی در نظام اقتصادی مختلط*. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، به راهنمایی دکتر نسرين مهر، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- حسنی، جعفر (۱۳۹۴). «نقدی بر مفهوم جرایم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲ و ۳: ۴۵-۶۹.

جمعی) است. از طرف دیگر، ماهیت نظام حقوقی متأثر از نظام فکری حاکم بر نظام اقتصادی بوده و رسالت نظام حقوقی در توازن منافع فردی و جمعی به‌عنوان دو نهاد مهم شکل دهنده ساختار نظام اقتصادی می‌باشد. تحقق چنین رسالتی، با توسل به قواعد تنظیمی حقوقی یا نهاد حقوق کیفری در برخورد با رفتارهای مخل فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد که چنین امری نیز نیازمند تحول همگام و درون‌زای حقوق کیفری با تحولات نظام اقتصادی، اسناد و همکاری‌های بین‌المللی می‌باشد. توصیه‌نامه شورای اروپا مصدق قابل بررسی بر نحوه تحول همگام حقوق کیفری کشورهای اروپایی با تحولات نوین نظام اقتصادی و ورود رفتارهای نوین مخل اقتصادی به زرادخانه کیفری است. بنابراین، چنین تعامل، هم‌نوایی و همگامی نظام حقوقی و نظام اقتصادی، در تدوین الگوی توسعه و پیشرفت اقتصادی، مبارزه با رفتارهای مخل اقتصادی، سیاست‌های تقنینی اعم از اقتصادی، حقوقی متناسب با واقعیت‌های اقتصادی منبث از نظام غایی فکری اجتماعی در یک منطقه جغرافیایی با توجه به ریشه‌های فرهنگی عرف، مذهب، ایدئولوژی، با کمک دیگر شاخه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، انسان‌شناسی، زیست‌بوم، روان‌شناسی و حقوق است. بنابراین در حوزه جرایم اقتصادی باید گفت:

اولاً برای تحقق توسعه و پیشرفت اقتصادی، سالم‌سازی فرایندهای اقتصادی، صیانت از ارزش‌های اقتصادی، توازن مناسب و متناسب فرهنگ فردگرایی و جمع‌گرایی، سیاست کارآیی و برابری، مالکیت خصوصی و عمومی، بازار و برنامه، اقتصاد عینی و هنجاری را الزامی بوده و حتی سنت‌ها و ارزش‌ها به‌عنوان واقعیات اجتماعی در کنار سایر واقعیتهای عینی، الزام‌ها و بایدهای اقتصادی می‌باشد و ثانیاً با مطالعه واقعیتهای اقتصادی، اصول و آموزه‌های اقتصادی استخراج و سپس در کنار اصول متعارف جرم‌انگاری، با بهره‌گیری از اصول نوین جرم‌انگاری بین رشته‌ای اقتصاد و حقوق و نیز از اسناد بین‌المللی به‌خصوص توصیه‌نامه شورای اروپا در جهت توازن منافع فردی و جمعی که کارنامه مطلوبی در کشورهای

- خالقی، ابولفتح و شاهچراغ، سید حمید (۱۳۹۳). «تحلیل اقتصادی حقوق کیفری بر اساس نظریه‌های همسو با عملگرایی حقوقی». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۷: ۵۳-۸۲.
- دادگر، یدالله (۱۳۹۸). *محورهای اساسی در نظام‌های اقتصادی*. چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی (آزمونی مجدد)*. چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
- رضانی باصری، عباس و میر فردی، اصغر (۱۳۹۳). «تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه». *مجله اقتصادی*، ۳ و ۴: ۱۲۱-۱۳۸.
- شهبایی، مهدی (۱۳۹۲). «از حقوق مدرن تا حقوق پست مدرن، تأملی درمبنای تحول نظام حقوقی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۸۲: ۶۳۶-۶۸۶.
- کاویانی، کوروش (۱۳۸۶). «درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق». *پژوهش حقوق و سیاست*، ۲۳: ۶۱-۱۰۲.
- گروینوگن، جان و دیگران (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرایی*. ترجمه اصلاان قودجانی، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- متوسلی، محمود؛ عبادی، جعفر و مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۰). «اقتصاد ارتدکس مطالعه‌ای در معنا، مفهوم و ویژگی آن». *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۶(۴): ۱۷۵-۲۰۵.
- مقدم، وحید؛ واعظ، محمد و اکبری، نعمت اله (۱۳۹۱). «ارزیابی میزان انطباق مطالعات اقتصادکلان ایران با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران به روش تحلیل محتوا». *راهبرد اقتصادی*، ۱(۱): ۴۷-۶۹.
- مکی نژاد، کیومرث (۱۳۹۳). *مدل زیربنا- روبنا در جامعه‌شناسی: مارکس، دورکیم، وبر*. تهران: نشر نقد افکار.
- موسوی، سید علی و موسوی گاوگانی، سید علی (۱۳۹۵). *بررسی انواع نظام‌های اقتصادی و مقایسه آنها با اقتصاد*
- انقلاب اسلامی*. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین.
- مهدوی، ابوالقاسم و پاداش، حمید (۱۳۸۶). «رسوخ پراگماتیسم در اقتصاد نهادگرا». *جستارهای اقتصادی*، ۱۸۲: ۸-۱۸.
- میناتورسجادی، آرمان (۱۳۹۳). «شهر و عدالت سوسیالیستی». *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، ۲(۴): ۳۷-۴۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). *تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی*. دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- نمازی، حسین (۱۳۹۳). *نظام‌های اقتصادی*. چاپ هفتم، تهران: نشر سهامی انتشار.
- همیلتون، پیتر (۱۳۸۶). *فهم جامعه مدرن، روشنگری و تکوین علم اجتماعی*. ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران: نشر آگاه.

ب. منابع انگلیسی

- Aldashev, G (2009). "Legal Institutions, Political Economy and Development". *Oxford Review of Economic Policy*, 25(2): 257-270.
- Budima, G (2006). "Can corruption and economic crime be controlled in developing economies, and if so, is the cost worth it?". *Journal of Financial Crime*, 13(4): 408-419.
- Chapra, U (1995). "Islam and the Economic Challenge (The Islamic Foundation and The International Institute of Islamic Thought)". *Islamic Economics*, 17: 43-61.
- Council of Europe (2006). "Situation Report on Organized and Economic Crime in South-Eastern Europe". Available at: <https://www.coe.int/econcrime>.
- Faundez, J (2016). "Douglass North's Theory of Institutions: Lessons for Law and

- Posner, R (2003). *Law, Pragmatism and Democracy*. United States: Harvard University Press.
- Posner, R (1985). "An Economic Theory of the Criminal Law". *Columbia Law Review*, 85(6): 1193-1231.
- Waldrop, M (1992). *Complexity: The Emerging Science at the Edge of Order and Chaos*. New York: Simon and Schuster.
- Development". *Hague Journal on the Rule of Law* , 8(2): 373-419.
- Haggard, S; MacIntyre, A & Tiede, L (2008). "The Rule of Law and Economic Development". *Annual Review of Political Science*, 11(1): 205-234.
- Schumpeter, J (2006). *History of Economic Analysis*. 2nd ed., Taylor & Francis e-Library.